

زن و شوهر پیری با هم زندگی می کردند. پیر مرد همیشه از خروپف همسرش شکایت داشت و پیر زن هرگز زیر بار نمی رفت و گله های شوهرش رو به حساب بهانه گیری های او می گذاشت. این بگو مگوها همچنان ادامه داشت. تا اینکه روزی پیر مرد فکری به سرش زد و برای اینکه ثابت کند زنش در خواب خروپف می کند و آسایش او را مختل کرده است ضبط صوتی را آماده می کند و شبی همه سر و صدای خروپف های گوشخراش همسرش را ضبط می کند. پیر مرد صبح از خواب بیدار می شود و شادمان از اینکه سند معتبری برای ثابت کردن خروپف های شبانه او دارد به سراغ همسر پیرش می رود و او را صدا می کند، غافل از اینکه زن بیچاره به خواب ابدی فرو رفته است!

از آن شب به بعد خروپف های ضبط شده پیرزن، **لالایی آرام بخش** شب های تنهایی او می شود.